



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲ تیر ۱۴۰۴ - ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۶
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۲۳۵ - ۸ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سر مقاله

جنگ طلب نبودیم اما جنگ بلدیم

ورود علنی آمریکا به تهاجم به ایران، نشان داد که تا چه حد ادعاهای پیشین کاخ سفید درباره پایبندی به دیپلماسی و مذاکره دروغین بوده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی از آغاز شکل گیری پرونده هسته‌ای، مسیر خود را بر پایه «حکمت، تدبیر و عزتمندی» بنا نهاده و تلاش کرده منطق صلح‌آمیز بر نامه هسته‌ای خود را برای جهانیان شفاف سازد.

ایران، با وجود بی‌اعتمادی عمیق به رفتارهای متناقض کشورهای غربی، هرگز دروازه گفت‌وگو را نبست و همواره از دیپلماسی به‌عنوان ابزاری مشروع در تأمین حقوق ملت خود بهره برد. بااین‌حال، واقعیت تلخ آن است که آمریکا و سه کشور اروپای غربی، با نقض پیاپی تعهدات خود و بهره‌برداری ابزاری از فضای مذاکرات، بر بی‌اعتمادی‌ها دامن زده‌اند و فضای بین‌المللی را به عرصه‌ای برای بازی‌های فریبکارانه تبدیل کرده‌اند.

به‌طور مشخص می‌توان دو رویکرد را در جهان سیاست امروز مشاهده کرد، منطق زور و جنایت که از سوی آمریکا و عنصر نیابتی‌اش رژیم صهیونی و با حمایت اروپای غربی دنبال می‌شود و در سوی دیگر تلاش برای مهار یکجانبه‌گرایی و استکبار از سوی کشورهای مستقل و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت.

تحولات اخیر، به‌ویژه در پی افزایش مداخله مستقیم ایالات متحده در حمایت نظامی و تسلیحاتی از رژیم‌صهیونیستی، گویای آن است که منطقه وارد مرحله‌ای جدید از تنش‌های ژئوپلیتیکی شده است. نقش علنی و پررنگ واشینگتن در پشتیبانی عملیاتی از رژیمی که سال‌هاست بدر بی ثباتی و خشونت را در منطقه می‌پراکند، ایجاب می‌کند که جمهوری اسلامی ایران، متناسب با شرایط جدید، راهبردهایی بازدارنده و مؤثر را در دستور کار قرار دهد.

جمهوری اسلامی ایران از ابتدا جنگ‌طلب نبوده و به‌طورکلی مردم ایران در چند قرن اخیر به کشوری تجاوز نکرده‌اند، اما این بدان معنا نیست که در برابر متجاوز سر خم کرده و «جنگ تحمیلی» آنان را به «صلح تحمیلی» سوق دهد. لذا به‌طورقطع ورود خیانت‌آمیز آمریکا با پاسخ اقتدارآمیز ایران مواجه خواهد شد. سیاست مستقل جمهوری اسلامی ایران و نیز موقعیت ژئوپلیتیک و قدرت دفاعی ویژه آن فرصت‌های بی‌نظیری برای تنبیه سران کاخ‌سفید فراهم آورده و در چنین شرایطی، از میان ده‌ها گزینه مختلف نظامی و چندبعدی، سه گزینه راهبردی پیش‌روی ایران قابل‌تصور است:

نخست؛ هدف‌گیری زیرساخت‌های نظامی و توان عملیاتی امریکا در منطقه، از جمله پایگاه‌های نظامی مستقر در کشورهای همسایه و سواحل جنوب خلیج فارس، به‌عنوان اهداف مشروع در چارچوب دفاع از امنیت ملی.

دوم؛ مهار و اخلال جدی در ساختار اقتصادی نظام سرمایه‌داری با بهره‌گیری از جایگاه ژئوپلیتیک ایران در آبراه‌های استراتژیک همچون تنگه هرمز و هم‌افزایی با محور مقاومت برای بسط این راهبرد در دریای سرخ و باب‌المندب.

سوم؛ افزایش فشار همه‌جانبه و نفس‌گیر بر رژیم‌صهیونیستی (به‌عنوان عنصر نیابتی آمریکا در منطقه) با تکیه بر توان موشکی و پهپادی، به‌منظور تحمیل هزینه‌های تمام‌عیار و فلج‌کننده به این رژیم و ارسال پیام بازدارنده به حامیان آن.

علاوه بر اینها ترکیب هوشمندانه این گزینه‌ها در قالب یک راهبرد ترکیبی (هیبریدی) می‌تواند ضمن بازدارندگی مؤثر، هزینه تجاوز را برای دشمنان افزایش داده و منافع راهبردی ایران را حفظ کند. خوشبختانه‌انجام مثال‌زدنی و بی‌نظیر این روزهای جامعه ایران در برابر دشمن متجاوز، دست تصمیم‌گیران را در تهران برای وارد کردن ضربات متعدد و تأثیرگذار بر متجاوزان باز گذارده است.

درنهایت، باید تأکید کرد که جمهوری اسلامی ایران آغازگر هیچ تنش‌ی نبوده و نخواهد بود، اما در برابر هر اقدام خصمانه، پاسخی قاطع، متناسب و هدفمند خواهد داد.

این سیاست نه‌تنها ضامن حفظ ثبات منطقه‌ای است، بلکه یادآوری می‌کند که دوران سلطه‌گری یکجانبه دیگر پایان یافته است و معادلات جدید منطقه، بر پایه مقاومت، بازدارندگی و عزت ملی بازنویسی خواهند شد. تحولات آتی و نظم آینده به ساکنان کاخ‌سفید خواهد فهماند که دست به چه تصمیم پرغلط و پرهزینه‌ای زده‌اند.

■ غلامرضا صادقیان / سردبیر

روز نهم جنگ امریکا کاری را که شروع کرده بود و نمی‌توانست تمام نکند، تمام کرد و مارش موفقیت سر داد. اکنون کاری را که ما در دفاع از خود شروع کرده‌ایم باید ادامه دهیم تا بتوانیم مارش آنان را ساکت کنیم. در روز اول جنگ نوشتیم در چنین جنگ‌هایی که نیروی زمینی وارد نمی‌شود کسی می‌تواند ادعای پیروزی کند که به آخرین تهدید پاسخ داده باشد.

رژیم صهیونی جنگ را از ابتدا با رهبری تیم امریکایی شروع کرد. هر دو می‌دانستند در نهایت باید اعلام کنند سایت‌های هسته‌ای ایران را نابود کرده‌اند و گر نه پایان جنگ بدون این هدف برای آنان مفهومی نداشت و دنیا از آنان می‌پرسید پس چه شد؟! اما آنان امید گزافی بسته بودند که با شروع جنگ، ایران چنان از هم بپاشد که نیازی به بمباران فردو و دیگر سایت‌ها نباشد و پس از فروپاشی ایران، آنان دسترسی نزدیک و مالکیت بر این سایت‌ها پیدا کنند! آن هدف، هدف اصلی و بزرگ‌تر بود. برای همین با کار دیگری یعنی ترور فرماندهان و دانشمندان هسته‌ای شروع کردند.

اکنون ایران چند امکان جنگی و چند امکان غیر جنگی برای ادامه دفاع

دارد. مسئله این است که ما برای فهم اینکه کدام امکان مهم‌تر و شدنی‌تر است، اطلاعات کافی از توانایی‌ها و شرایط ویژه نداریم و باید پشت سر تصمیم رسمی کشور قرار بگیریم و آن را تأیید و حمایت کنیم. ادامه حمله به رژیم، حمله به پایگاه‌های امریکا، و حمله به زیرساخت‌های انرژی منطقه سه امکان جنگی است. بستن تنگه هرمز نیز اگر چه کار نیروهای مسلح است اما می‌تواند صرفاً با تهدید و اعلام رسمی باشد یا حتی بدون اعلام رسمی و با ناامن‌سازی تنگه، پس آن را یک امکان غیر جنگی می‌نامیم. اخراج بازرسان هسته‌ای از ایران یک امکان مهم غیر هسته‌ای دیگر است. دیروز هم نوشتیم وقتی امریکا مدعی است بر نامه هسته‌ای ایران را نابود کرده است، خودبه‌خود چند مسئله را باید حل شده بداند. یکی اینکه دلیلی وجود ندارد که ایران در سازمان‌های بین‌المللی مربوط به هسته‌ای مانند منع اشاعه یا در آژانس باقی بماند زیرا مطابق ادعای امریکا اکنون در ایران برنامه هسته‌ای وجود ندارد (اما خواهیم دید که آنان خروج ایران از این سازمان‌ها را برنخواهند تابید). دوم، دلیلی بر ادامه تحریم‌ها نخواهد بود (اما خواهیم دید که تحریم‌ها را تشدید هم خواهند کرد). با این‌حال اگر ایران



و رژیم صهیونیستی را محکوم کردند

پزشکیان در تجمع مردمی ضد امریکایی

صفحه ۲

کار را ما تمام خواهیم کرد

در باره ادامه برنامه هسته‌ای خود و سالم‌ماندن یا نماندن تأسیسات و داشتن یا نداشتن مواد غنی‌شده هیچ اطلاعی (هیچ یعنی هیچ) به سازمان‌های بین‌المللی ندهد و همین ادعای امریکا را مفروض بگیرد که مطابق ادعای امریکا ما دیگر صنعت هسته‌ای نداریم، آنگاه حل مسئله برای امریکا بسیار دشوارتر خواهد شد.

امریکا با تجاوز به خاک ایران، ملت ایران را به یکی از منسجم‌ترین و همدل‌ترین لحظات تاریخ خود رساند. اگر به نظام جمهوری اسلامی گفته می‌شد که حاضر است چه هزینه‌ای یا چه بهایی بپردازد تا نیم قرن شعارهای انقلاب و نظام درباره دروغین بودن تمدن و فرهنگ غربی در مسائلی مثل لیبرالیسم، دموکراسی، گفت‌وگو، حقوق بشر، وعده‌های بین‌المللی، احترام به قوانین جهانی، واقعی بودن سازمان‌های جهانی و توانایی‌های فوق‌تصور نظام غرب به باور عمومی مردم تبدیل شود، بی‌گمان نمی‌توانست نرخی برای این دستاورد تعیین کند، اما اکنون این باور در جنگ نظام است! و همین باور مهم‌ترین عامل و بازوی ایران برای ادامه دفاع تا پیروزی نهایی است.

خیبر شکن قلب دشمن صهیونیستی را شکافت

صفحه ۲

میز دیپلماسی بمباران شد

عراقچی: باید به حمله امریکا پاسخ دهیم

صفحه ۷

پای دانش‌آموزان هم به میدان جنگ باز شد

جنبش آینده‌سازان ایران علیه صهیونیسم

■ مهسا گزینتی / خبرنگار گروه اجتماعی

صفحه ۳



نگاه هراسان جهان به تنگه هرمز دوخته شده است

اختلال در تنگه هرمز با جهش هزینه‌های انرژی، امریکا را با فشار تورمی، بنزین گران، افت رشد اقتصادی

و تهدید جدی رکود تورمی مواجه می‌کند | صفحه ۴